

The Experiences of the Founders of the Islamic Warriors' Educational Complex in Connecting the Ideals of the Front with the Missions of the School during the Sacred Defense Era

Mohammad Alipour ¹ | javad akbarimotlagh ² | Reihaneh mohtarami ³ | Fateme Noorani Far ⁴ | mojtaba maleki zohan ⁵

¹ Lecturer at Farhangian University, tehran.iran / Email: m.alipour@birjand.ac.ir

² Department of Arabic language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran

³ MA in Shiite History, Department of History, Faculty of Theology and Islamic Studies, Payam Noor Mashhad University, Mashhad, Iran

⁴ BA student of Social Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

⁵ Bachelor student of Education, Farhangian University, Tehran, Iran

Abstract

The present study was conducted with the aim of exploring the experiences of the founders of the Educational Complex for Warriors during the eight-year Iran-Iraq war. This research employed a qualitative method using a phenomenological approach. The researchers, through purposive criterion-based sampling, identified 8 founders of the Educational Complex for Warriors in South Khorasan Province and conducted semi-structured interviews with them. The data extracted from the interviews were analyzed using Colaizzi's seven-step method. To validate the findings, Guba and Lincoln's (1989) four criteria were employed. In this study, the findings are presented in three tables categorized as objectives, actions, and outcomes. The results indicate that the Educational Complexes for Warriors were established in response to the educational needs of combatants, aiming to compensate for academic setbacks, empower learners, and provide learning opportunities both at the frontlines and behind them. These centers, through measures such as holding classes in variable locations, recruiting experienced teachers, and offering diverse educational structures, played a significant role in promoting educational equity. Moreover, the experiences of the founders suggest that these complexes extended beyond academic instruction and served as a platform for promoting religious values, strengthening the student-warrior identity, and nurturing committed human resources—achievements whose impact extended into the post-war years.

Keyword: Educational complex , warriors, war , sacred defense , front

تجارب مؤسسان مجتمع آموزشی رزمندگان اسلام در پیوند آرمان‌های جبهه با رسالت‌های مدرسه در دوران دفاع مقدس

محمد علی پور^۱ | جواد اکبری مطلق^۲ | ریحانه محترمی^۳ | فاطمه نورانی فر^۴ | مجتبی ملکی زهان^۵

۱۳

سال هفتم

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۱/۱۹

صص: ۳۱-۵۵

شاپا چاپی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



DOR:

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربیات مؤسسان مجتمع آموزشی رزمندگان در دوران هشت سال دفاع مقدس انجام شد. این مطالعه با روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. پژوهشگران با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع معیار، تعداد ۸ نفر از مؤسسان مجتمع آموزشی رزمندگان استان خراسان جنوبی را شناسایی و از آن‌ها مصاحبه نیمه ساختار یافته به عمل آوردند. داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها به روش هفت مرحله‌ای کلازی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت اعتباربخشی به یافته‌ها از ملاک چهارگانه گوبا و لینکلن (۱۹۸۹) استفاده شد. در این پژوهش، سه جدول در قالب اهداف، اقدامات و دستاوردها ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد مجتمع‌های آموزشی رزمندگان در پاسخ به نیازهای آموزشی رزمندگان، با هدف جبران عقب‌ماندگی تحصیلی، توانمندسازی و فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری در جبهه و پشت جبهه شکل گرفتند. این مراکز با اقداماتی مانند برگزاری کلاس در مکان‌های متغیر، جذب اساتید مجرب و ارائه ساختارهای آموزشی متنوع، نقش مؤثری در ارتقای عدالت آموزشی داشتند. همچنین، تجربه مؤسسان نشان می‌دهد این مجتمع‌ها فراتر از آموزش درسی، به بستری برای ترویج ارزش‌های دینی، تقویت هویت دانش‌آموز-رزمنده و تربیت نیروی انسانی متعهد تبدیل شدند؛ دستاوردهایی که آثار آن تا سال‌های پس از جنگ نیز ادامه یافت.

کلیدواژه‌ها: مجتمع آموزشی، رزمندگان، جنگ، دفاع مقدس، جبهه

۱. مدرس دانشگاه فرهنگیان و دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران؛

m.alipour@birjand.ac.ir

۲. گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد تاریخ تشیع، گروه آموزشی تاریخ، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور مشهد، مشهد، ایران.

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه گیلان، گلستان، ایران.

۵. دانشجوی کارشناسی امورتربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

جنگ همواره در طول تاریخ بشر به اشکال مختلف وجود داشته است و هیچ دوره‌ای از تاریخ را نمی‌توان یافت که در آن اثری از خشونت و جنگ نباشد (ازغندی و روشندل، ۱۳۹۲: ۳۶). جنگ پدیده‌ای اجتماعی است که قدمت آن به قدمت بشر می‌رسد (خودسیانی و خان احمدی، ۱۳۹۲: ۶۸). لیکن آنچه در اسلام دارای ارزش است «جهاد فی سبیل الله» است (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵۳). از جنگ تعریف واحدی نشده است (حاجتی، ۱۴۰۰: ۳۵۷). منتها در یک تعریف کلی واژه جنگ در لغت‌نامه‌های فارسی به معنی نبرد، پیکار، زد و خورد و کشتار میان چندین نفر یا میان سپاهان دو کشور آمده است (دهخدا، ۱۳۶۳: ۲۵۴). این تعریف، جنگ‌های داخلی را دربر نمی‌گیرد. کلاو زوتیس معتقد است جنگ به کارگیری حد اعلای خشونت در راه خدمت به دولت یا کشور است (اولاد و الهی منش، ۱۳۹۸: ۳).

جنگ عراق و ایران از سال ۱۳۵۹ شمسی (۱۹۸۰ میلادی) تا سال ۱۳۶۷ شمسی (۱۹۸۸ میلادی) به مدت تقریبی هشت سال ادامه داشت و به‌عنوان طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم شناخته می‌شود (قهرمانی و یوسف‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۱) و حوزه‌ای به وسعت بیش از ۱۶۰۰ کیلومتر را شامل گردید و یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های قرن بیستم به شمار می‌آید (ربیعی و محمدپور، ۱۳۹۶: ۴۷). جنگ تحمیلی، معادله قدرت و امنیت در فضای منطقه‌ای و در ارتباط با ایران را دگرگون نمود (نظامی‌پور، ۱۴۰۱: ۳۶). این جنگ گنجینه‌ای بزرگ و ماندگار از ظهور و بروز ارزش‌های والای انسانی است که می‌تواند مانند ذخیره‌ای مانا در تاریخ ایران اسلامی، به عنوان پشتوانه فرهنگی و ملی، مسیر رشد و شکوفایی انقلاب اسلامی باشد (الهامی و آرش، ۱۳۹۹: ۵۴). تاریخ جنگ‌ها به روشنی نشان می‌دهد که پیروزی در جنگ، به عنوان یک واقعیت که می‌تواند موجب عزت یا ذلت یک جامعه شود، تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. این عوامل شامل ایمان، انگیزه، مدیریت، روحیه و غیره هستند (خودسیانی و احمدی، ۱۳۹۲: ۶۹).

دفاع مقدس پدیده‌ای منحصر به فرد و به عنوان یکی از درخشان‌ترین و پراهمیت‌ترین لحظات تاریخ انقلاب اسلامی، نماد بزرگی از افتخارات ملت ایران در صفحات تاریخ کشور به شمار می‌رود (ظریف‌منش و حجازی، ۱۴۰۲: ۱۲۰؛ سلیمانی و اسلامی، ۱۴۰۱: ۲۷). دفاع مقدس یعنی

مجموعه کوشش‌ها، حماسه‌ها، پایمردی‌ها و فعالیت‌های متنوعی که بسیج مردمی و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران توانستند تهاجم بعثی را خنثی کنند (منصوری لاریجانی، ۱۳۹۱: ۱۰۷). دفاع مقدس نه تنها به حفظ و بقای کشور و نظام جمهوری اسلامی کمک کرد، بلکه موجب شکل‌گیری فرهنگ جدیدی به نام فرهنگ دفاع مقدس در تاریخ ایران شد (شعبانی سارویی، ۱۳۹۴: ۴۳). متولیان انقلاب ۱۳۵۷ در ایران همچنین در پی تحقق اهداف و آرمان‌های دینی و اجتماعی مختلفی از جمله مقابله با قدرت‌های جهانی و صدور اندیشه‌های انقلاب بودند (درودیان، ۱۳۸۴: ۷). به گونه‌ای که می‌توان آن را به عنوان نظامی ارزشی و الگویی برای درک، جهت‌گیری و پایدارسازی جامعه در برابر تهدیدات و آسیب‌ها دانست که به ایجاد امنیت، امید و پیشرفت در کشور کمک می‌کند (عامری، ۱۳۹۳: ۱۲۷). در نتیجه، دفاع مقدس، در برهه‌ای از زمان، آغاز و سپس خاتمه یافته اما مظاهر و تجلیات خارجی آن به راحتی در دسترس است (محمدی فاتح، ۱۳۹۷: ۱۰).

همه وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها بنا به امکانات خود در عرصه دفاع مقدس فعال بودند، که یکی از این دستگاه‌ها وزارت آموزش و پرورش است. فرهنگیان و کارکنان آموزش و پرورش و دانش-آموزان، در صحنه‌ها و ابعاد مختلف دفاع مقدس حضور پررنگی داشته‌اند (علی‌پور و محترمی، ۱۴۰۱: ۱۲۲). از جمله اقشار تأثیرگذار در انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس معلمان بودند (مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ۱۳/۲/۱۳۹۵) و از آنجایی که یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر کشوری قشر جوان است (مولا دوست و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۹)، در میان شهدای هشت سال دفاع مقدس، تعداد زیادی از جوانانی وجود دارند که پیش از اعزام به جبهه‌های حق علیه باطل، در حال تحصیل بودند (علی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۸). بخش قابل‌توجهی از رزمندگان ایران در طول جنگ تحمیلی دانش‌آموزان بودند، به‌طوری‌که حداقل حدود ۵۵۰ هزار نفر از این دانش‌آموزان در مجتمع‌های آموزشی رزمندگان در جبهه به تحصیل پرداختند (درودیان، ۱۳۸۴: ۷).

تشکیل مجتمع‌های آموزشی رزمندگان از جهات مختلفی در خور اهمیت است. از آنجایی که ادامه تحصیل و بازماندن از آن دغدغه و نگرانی بسیاری از دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان در دوران جنگ بود، ایجاد مجتمع‌های آموزشی رزمندگان در جبهه تدبیری بود که از سوی مسئولان

برای برطرف کردن این نگرانی اندیشیده شد (هاشم‌زهی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۶). این مؤسسه خدمات علمی آموزشی رزمندگان اسلام در اواخر دوران دفاع مقدس (سال‌های ۶۷-۶۸) با سرمایه‌اهدایی بیست میلیون ریال حضرت امام خمینی (ره) تأسیس شد (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۲). این اقدام، نه تنها پاسخی به نیاز آموزشی رزمندگان و خانواده‌های آنان بود، بلکه گامی بنیادین در جهت تثبیت ارزش‌های فرهنگی انقلاب اسلامی در بستر تعلیم و تربیت به شمار می‌رفت. مؤسسه خدمات علمی آموزشی رزمندگان اسلام به تدریج به یکی از بازوان توانمند نظام آموزشی کشور در دوران دفاع مقدس تبدیل شد؛ نهادی که با تکیه بر باورهای انقلابی، مشارکت مردمی و پشتیبانی معنوی امام خمینی (ره)، موفق شد آموزش را حتی در سخت‌ترین شرایط ممکن، زنده نگه دارد.

مجمع‌های آموزشی رزمندگان در دوران دفاع مقدس با هدف هم‌راستا ساختن آموزش رسمی با آرمان‌های جبهه شکل گرفتند و الگویی نوین از مدرسه اسلامی - انقلابی را به نمایش گذاشتند. آموزش در این مجتمع‌ها به صورت شبانه‌روزی و در سه ترم بهار، تابستان و پاییز انجام می‌شد و رزمندگان می‌توانستند نیمی از مواد درسی هر پایه تحصیلی را در همان‌جا امتحان دهند. تأمین آموزگار و دبیر غالباً از استان پشتیبان یگان‌ها یا استان‌های همجوار صورت می‌گرفت و در زمان عملیات‌ها یا آموزش‌های رزمی، کلاس‌های درس به‌طور موقت تعطیل می‌شد (مهدیزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۷). در این چارچوب، مؤسسان مجتمع‌های آموزشی رزمندگان اسلام مدرسه را نه صرفاً محلی برای آموزش رسمی، بلکه سنگری برای پرورش انسان‌های مؤمن، انقلابی و مسئولیت‌پذیر می‌دانستند و با پیوند دادن تعلیم و تربیت با روحیه ایثار، جهاد و مقاومت، زمینه انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی به نسل نوجوان و جوان را فراهم کردند؛ لذا هدف از پژوهش حاضر، بررسی تجربه‌های مؤسسان این مجتمع‌ها در تلفیق رسالت‌های مدرسه با آرمان‌های جبهه و تحلیل کارآمدی این الگو در شرایط خاص دوران دفاع مقدس است.

پیشینه پژوهش

مطابق یافته‌های پژوهش علی‌پور و محترمی (۱۴۰۱)، رزمندگان با انگیزه‌های ارزشی و تعهد دینی، ضمن بهره‌گیری از تخصص‌های شغلی خود، نقش مؤثری در عرصه آموزش و تربیت در

خطوط مقدم و مناطق عملیاتی ایفاء کردند. همچنین، مشارکت فعال بانوان در حوزه پشتیبانی، بهداشت و درمان گواهی بر گسترش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و انتقال روحیه جهادی به بسترهای آموزشی است. این تعامل ارزشی - تخصصی، الگویی منحصر به فرد از تلفیق جهاد علمی و نظامی در ساختارهای آموزشی آن دوران به شمار می‌آید.

نتایج پژوهش مراد پیری (۱۳۹۵) نشان داد که سیاست‌گذاری فرهنگی با تمرکز بر تولیدات متنوع فرهنگی شامل محصولات آموزشی، نوشتاری، دیداری - شنیداری، نمادین و مناسکی، می‌تواند در حفظ و انتقال علوم و معارف دفاع مقدس به نسل آینده نقش مؤثری ایفا کند. وی با اتکا به تحلیل میدانی و نظری، تأکید می‌کند که تولیدات دیداری و شنیداری (مانند سینما، تلویزیون، و مستندها) بیشترین اثربخشی را در انتقال این مفاهیم داشته‌اند، در حالی که تولیدات نمادین از اثرگذاری کمتری برخوردارند. این یافته‌ها بیانگر اهمیت بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی - رسانه‌ای در بازنمایی ارزش‌های دفاع مقدس است. این نتایج می‌تواند به عنوان مبنایی برای تحلیل تجارب مؤسسان مجتمع آموزشی رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس نیز مورد توجه قرار گیرد.

نتایج پژوهش حشمتی‌جدید و مراد پیری (۱۳۹۶) نشان داد که دوران دفاع مقدس بستری بی‌ظنیر برای شکوفایی ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی ملت ایران فراهم ساخت. در این پژوهش، به وضوح تأکید شده است که بروز مفاهیمی چون ایثار، اخلاص، ولایت‌پذیری، وحدت ملی و تکلیف‌گرایی، نه تنها در جبهه‌ها بلکه در تمام شئون جامعه به‌ویژه در حوزه‌های تربیتی و آموزشی ظهور یافت. از منظر نویسندگان، این ظرفیت‌ها، همچون «فرهنگ خاص جبهه» و «اخلاق جهادی»، میراثی ارزشمند برای تداوم انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند که باید از طریق برنامه‌ریزی فرهنگی و آموزشی به نسل‌های آینده منتقل گردد. تجارب مؤسسان مجتمع آموزشی رزمندگان اسلام را می‌توان مصداق بارز تحقق همان ظرفیت‌های فرهنگی دانست که در قالب مدرسه تجلی یافتند.

یافته‌های پژوهش اخوان‌فرد و احمدی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که یکی از آشکارترین و فاجعه‌بارترین جلوه‌های تجاوز رژیم بعثی عراق، حمله مستقیم به مدارس ایران و نقض حقوق کودکان در حوزه‌هایی چون حق حیات، آموزش، سلامت و حمایت خانوادگی بوده است. بر اساس تحلیل حقوقی صورت گرفته در این مقاله، بمباران مدارس شهرهایی مانند میانه، بروجرد و

به‌بهان نه تنها نقض صریح کنوانسیون‌های بین‌المللی، بلکه تجلی آشکاری از جنگ علیه نسل آینده ایران بود. این وضعیت، آموزش و پرورش در مناطق جنگی را نه صرفاً یک مأموریت آموزشی، بلکه به امری مقاومت‌آمیز، فرهنگی و ارزشی تبدیل کرد.

پیوند آرمان‌های جبهه با رسالت‌های مدرسه، پاسخی ایجابی به تجاوزات دشمن و تلاشی برای حفاظت از روح و هویت دانش‌آموزان بود؛ امری که با آنچه در مقاله مذکور به‌عنوان مظلومیت کودکان در فضای جنگی و ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی توصیف شده، نسبت مستقیمی دارد. یافته‌های پژوهش درویش‌علی‌پور (۱۴۰۲) نشان می‌دهد طرح‌های فرهنگی مانند «لاله‌ها»، «میهمانی لاله‌ها»، «سلا‌ها» و به‌ویژه «طرح ملی لاله‌های روشن» نقش مؤثری در مردمی‌سازی فرهنگ ایثار و شهادت و مقابله با جنگ نرم داشته‌اند. این برنامه‌ها با اتکا به همکاری نهادهای فرهنگی و آموزشی و اجرای فعالیت‌هایی نظیر یادواره‌های شهدا، اردوهای راهیان نور، روایت‌گری و تولید محتوای فرهنگی، زمینه انتقال ارزش‌ها و آرمان‌های دفاع مقدس به نسل جوان را فراهم کرده و موجب افزایش آگاهی و تعهد ارزشی دانش‌آموزان شده‌اند.

فعالیت مجتمع‌های آموزشی جبهه پس از پایان جنگ تحمیلی نیز تداوم یافت و در سال ۱۳۶۹، هم‌زمان با بازگشت آزادگان به میهن اسلامی، این مراکز با تغییر نام به «مدارس ایثارگران» وارد مرحله‌ای تازه شدند (مهدیزاده و همکاران، ۱۳۹۶). مرور پیشینه‌های پژوهشی نشان می‌دهد که پیوند میان فرهنگ جبهه و نهاد آموزش، به‌ویژه در قالب این مجتمع‌ها، تجلی عینی بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، ارزشی و رسانه‌ای در خدمت تربیت نسل انقلاب بوده است. از سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و تولیدات رسانه‌ای گرفته تا مناسک و فعالیت‌های مدرسه‌محور، همگی بیانگر رویکردی تلفیقی هستند که آموزش را از یک فرآیند صرفاً دانشی فراتر برده و آن را به ابزاری برای انتقال مفاهیم ایثار، مقاومت و هویت دینی تبدیل کرده‌اند. این تجربه‌ها نشان می‌دهد که مدرسه در دوران دفاع مقدس و پس از آن، نقشی فراتر از کارکرد آموزشی ایفاء کرده و به نهادی هویت‌بخش و تمدن‌ساز بدل شده است؛ نقشی که همچنان قابلیت بازتولید و بهره‌برداری در نظام آموزشی امروز را داراست.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه مؤسسان و افرادی بودند که در مجتمع رزمندگان فعالیت داشتند که از بین آن‌ها مؤسسان و همکارانی که در مجتمع رزمندگان در شهرستان بیرجند، فعالیت داشتند با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و از آنان مصاحبه گرفته شد. پس از انجام ۸ مصاحبه، اشباع داده‌ها حاصل شد. برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از روش مصاحبه‌های بین فردی نیمه ساختاریافته استفاده شد. این نوع مصاحبه به دلیل اینکه نه مانند مصاحبه ساختاریافته محقق را محدود می‌کند و نه مانند مصاحبه باز که در بعضی موارد اطلاعات غیرضروری فراهم می‌سازند، برای پژوهش‌های پدیدارشناسی مناسب هستند. برای انجام مصاحبه‌ها ابتدا به افراد در مورد چگونگی فرایند مصاحبه و اهداف پژوهش توضیح و به آن‌ها اطمینان داده شد که محتوا، فایل صوتی و متن مصاحبه‌ها کاملاً محرمانه خواهد ماند و در توصیف، تجزیه و تحلیل نهایی اطلاعات، نامی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش برده نمی‌شود. هر جلسه مصاحبه نیز ابتدا با سؤالات تعیین شده آغاز و به تدریج بر اساس تحلیل داده‌ها، با سؤالات اکتشافی ادامه یافت.

جهت ارزیابی نتایج پژوهش کیفی حاضر، از معیارهای گویا و لینکلن (۱۹۸۹) استفاده شده است. گویا و لینکلن از عنوان اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد برای ارزیابی نتایج پژوهش کیفی استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آن‌ها اعتماد کرد. به عقیده گویا و لینکلن معیار قابلیت اعتماد شامل چهار معیار جداگانه اما به هم مرتبط است که شامل باورپذیری (همسازی و همبستگی داده‌ها)، اطمینان‌پذیری (توانایی تشخیص جایی که داده‌های یک مطالعه از کجا آمده، چگونه گردآوری شده و چه طور به کار رفته‌اند)، تأثیرپذیری (عینیت کیفی و انطباق یافته‌ها بر داده‌های پژوهش) و انتقال‌پذیری (اعتبار بیرونی) است (محمدپور، ۱۳۸۸). مصاحبه‌ها پس از ضبط به نوشتار تبدیل شده و محققان به خواندن و بازخوانی مکرر متن هر یک از مصاحبه‌ها پرداخته و سپس مضامین اصلی و فرعی تعیین و نام‌گذاری شدند؛ پس از آن، محققان با مقایسه و لحاظ کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های مضامین فرعی، مضمون‌های کلی‌تر را استخراج کردند. برای هر یک از

مصاحبه‌ها، یک جدول خلاصه‌سازی تدوین شد و در نهایت از طریق تلفیق، فهرست کاملی از مضمون‌ها (۷ مضمون اصلی، ۱۹ مضمون فرعی در قالب سه جدول) استخراج گردید. برای حصول اطمینان از امکان اعتماد به داده‌های پژوهش از روش مطالعه مکرر، قیاس داده‌ها، خلاصه‌سازی و دسته‌بندی اطلاعات، بدون اینکه در داده‌ها تغییری ایجاد شود، استفاده شد. از طریق مقایسه با پیشینه‌های تحقیق، نظارت مداوم بر پژوهش از ابتدا تا انتها، استفاده از نمونه کافی و مناسب و ادامه مصاحبه‌ها تا رسیدن به نقطه اشباع، سعی شد تا قابلیت تأیید حاصل شود؛ در راستای اعتباربخشی به یافته‌ها نیز، ابتدا مصاحبه آزمایشی صورت گرفت و پس از بررسی آن، اصلاحات لازم برای مصاحبه‌های بعدی انجام شد. همچنین روایی کدگذاری‌های انجام شده بررسی گردید و پایایی کدها نیز با روش پایایی بین کدگذاران (شاخص تکرارپذیری) تعیین گردید.

یافته‌های پژوهش

تجارب زیسته مؤسسان مجتمع‌های آموزشی رزمندگان در سه جدول طبقه‌بندی و ارائه شده‌اند: جدول اهداف شامل مضامین اصلی «نهادینه‌سازی آموزشی» و «توانمندسازی آموزشی»، جدول اقدامات با محورهای «کیفیت‌بخشی به فرایند آموزشی»، «ابتکار در آموزش» و «ارتقاء عدالت آموزشی»، و در نهایت جدول دستاوردها که بر مضامین کلیدی «خلق فرهنگ مقاومت علمی» و «بازتولید سرمایه انسانی» تمرکز دارد.

با بررسی و تحلیل مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان و تجزیه و تحلیل کدها در پژوهش، مفاهیم و مقوله‌های مربوط به اهداف مؤسسان مجتمع آموزشی رزمندگان در دوران دفاع مقدس، در قالب دو مقوله طبقه‌بندی گردید که هر یک از این مقوله‌ها دارای زیر مقوله‌هایی است که در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. مفاهیم و مقوله‌های مربوط به اهداف مؤسسان مجتمع آموزشی رزمندگان در دوران دفاع مقدس

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
نهادینه‌سازی آموزش	ارتقای کیفیت آموزشی	ارتقای سطح کلاس‌های تقویتی، افزایش حقوق اساتید مجتمع، جذب دبیر از مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی، جذب اساتید مجرب از معلمان آموزش و پرورش
	یکپارچه‌سازی ساختار	یکپارچه شدن مجتمع در سراسر کشور، تبلیغ جهت جذب

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
		دانش آموز و دبیر، اعزام نیرو از طریق مجتمع
	تربیت نیروی آینده- ساز	تربیت نیروی متخصص، جلوگیری از اخلاص جنگ در توسعه کشور، تربیت نیروی کار، ارتقا و مدیریت اوقات فراغت رزمندگان
توانمندسازی آموزشی	حمایت های راهبردی	هدایت تحصیلی رزمندگان بی سواد و کم سواد، مشاوره خانوادگی و درسی به محصلان، ایجاد آمادگی در رزمندگان جهت شرکت در کنکور، کمک به ادامه تحصیل اعضای فعال بسیج و خانواده شهدا
	جبران عقب ماندگی تحصیلی	جبران سریع عقب ماندگی تحصیلی محصلان، جبران خلا آموزشی، کمک به ادامه تحصیل رزمندگان بازمانده از تحصیل، عدم دغدغه تحصیلی رزمندگان، اعطای گواهی به محصلان، اهدای جزوات درسی مخصوص به محصلان
	فراهم سازی فرصت یادگیری	امکان تحصیل رزمنده در جبهه و پشت جبهه، امکان تحصیل رزمندگان در شهرهای مختلف، امکان ادامه تحصیل رزمندگان در سراسر کشور، در نظر گرفتن خوابگاه برای افراد، فراهم کردن امکان تحصیل افراد نابینا

نهادینه سازی آموزش

بررسی مصاحبه های مؤسسان مجتمع رزمندگان نشان داد که مجتمع رزمندگان با هدف نهادینه سازی آموزش، اقداماتی انجام داد که در ادامه مورد بحث قرار می گیرد. ارتقای کیفیت آموزشی، از جمله اهدافی بود که به صورت مکرر از سوی مصاحبه شوندگان مطرح شد. برای نمونه مصاحبه شونده شماره ۲ اظهار داشت که: «مجتمع در تلاش بود تا دبیران و اساتید مدارس برتر کشور از جمله مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی را با حقوق و مزایایی بالاتر، جذب کند.» یکپارچه سازی ساختار از دیگر اهدافی بود که در راستای نهادینه سازی آموزش در مجتمع رزمندگان، از سوی مصاحبه شوندگان مطرح شد. به شکلی که مصاحبه شونده شماره ۱ بیان داشت که: «هرچند تا قبل از تأسیس مجتمع، کلاس های تقویتی برای رزمندگان برگزار می شد اما با تأسیس مجتمع، امکان حضور آن ها در سراسر کشور در کلاس های درس مجتمع فراهم شد.»

همچنین تربیت نیروی آینده‌ساز نیز از جمله اهدافی بود که در راستای نهادینه‌سازی آموزش در مجتمع رزمندگان مطرح شد. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۲ اظهار داشت که: «بسیاری از دانش‌آموزانی که در آن سال‌ها در مجتمع رزمندگان تحصیل می‌کردند، در کنکور شرکت کرده و بعدها مسئولیت‌های مختلفی را در سطح کشور، عهده‌دار شدند».

توانمندسازی آموزشی

بررسی مصاحبه‌ها بیانگر آن بود که توانمندسازی آموزشی از جمله اهداف مؤسسان مجتمع رزمندگان بود که شامل سه زیرمؤلفه می‌شد. تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن بود که توانمندسازی آموزشی در مجتمع رزمندگان در قالب سه زیرمؤلفه حمایت‌های راهبردی، جبران عقب‌ماندگی تحصیلی و فراهم‌سازی فرصت یادگیری صورت گرفت که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است. حمایت‌های راهبردی که در راستای هدف اصلی توانمندسازی آموزشی مطرح شد، از جمله مضامینی که به دفعات از سوی مصاحبه‌شوندگان مطرح شد. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان داشت که: «علاوه بر رزمندگان دفاع مقدس، مجتمع در صدد بود که اعضای خانواده شهدا و اعضای فعال بسیج، بتوانند به کمک مجتمع به ادامه تحصیل بپردازند».

مشارکت‌کنندگان در پژوهش معتقد بودند که هدف اصلی توانمندسازی آموزشی در مجتمع، شامل جبران عقب‌ماندگی تحصیلی افراد بود که اهدافی مانند جبران سریع عقب‌ماندگی تحصیلی محصلان و جبران خلاء آموزشی، از جمله آنهاست. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۴ اظهار داشت که: «جزواتی در تهران برای کلاس‌های درس مجتمع رزمندگان طراحی و چاپ شده بود. این جزوات که به صورت رایگان در اختیار رزمندگان سراسر کشور قرار می‌گرفت، جزواتی با کیفیت فوق‌العاده بود که در آن زمان کم‌نظیر بود».

فراهم‌سازی فرصت یادگیری نیز از جمله اهدافی بود که در راستای هدف توانمندسازی آموزشی مطرح شد. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۱ عنوان کرد: «مجتمع برای افرادی که از راه دور برای تحصیل مراجعه می‌کردند، خوابگاه در نظر گرفته بود تا آن‌ها با فراغ بال و آرامش به تحصیل بپردازند».

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های مربوط به اقدامات مؤسسان آموزشی رزمندگان در دوران دفاع مقدس

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
کیفیت بخشی به فرآیند آموزش	تقویت منابع انسانی	جذب اساتید و معلمان مجرب، گزینش دقیق اساتید
	تداوم تربیت دینی	برگزاری نماز جماعت در هنگام اذان، حفظ رویکرد فرهنگی-مذهبی حتی در جبهه
	محدودیت‌های زیر ساختی	کمبود امکانات در بعضی مناطق، کمبود فضای آموزشی در برخی مناطق،
ابتکار در آموزش	مکان متغیر آموزش	تبدیل مدرسه به مجتمع رزمندگان، برگزاری کلاس در جبهه، تغییر هر ساله محل برگزاری کلاس‌های مجتمع
	پاسخ به نیازهای خاص	برگزاری کلاس خصوصی در منزل یا بیمارستان برای افراد آسیب دیده، تشکیل کلاس با هر تعداد محصل، فراهم کردن فضا برای مطالعه افراد در مجتمع
	تضمین تداوم آموزشی	فعالیت دو شیفته مجتمع، برگزاری امتحانات در تمام پایه‌های تحصیلی، برگزاری امتحانات در تمام طول سال
ارتقاء عدالت آموزشی	تنوع ساختار آموزشی	نظام ترمی واحد، امکان گذراندن دروس بر اساس سطح، پذیرش در تمام پایه‌ها و رشته‌ها
	پشتیبانی هدفمند رزمندگان	جبران عقب ماندگی تحصیلی، چاپ جزوات با کیفیت، استقبال عمومی از محتوای آموزشی
	افزایش اثربخشی آموزش	ایجاد انگیزه تحصیلی، موفقیت در کنکور، تربیت دانش آموزان توانمند

بررسی و تحلیل مصاحبه‌های شرکت کنندگان و تجزیه و تحلیل کدها در پژوهش، بیانگر آن بود که مفاهیم و مقوله‌های مربوط به اقدامات مؤسسان مجتمع آموزشی رزمندگان در دوران دفاع مقدس در قالب سه مقوله طبقه بندی می شود که هر یک از این مقوله‌ها دارای زیرمقوله‌هایی است که در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

کیفیت بخشی به فرایند آموزش

بررسی مصاحبه‌های مؤسسان مجتمع رزمندگان نشان داد که مجتمع رزمندگان با هدف کیفیت بخشی به فرایند آموزش، اقداماتی انجام داد که در ادامه مورد بحث قرار می گیرد. تقویت

منابع انسانی از جمله اقداماتی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره داشتند. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان داشت که: «فرایند جذب و گزینش دبیران به صورت دقیق در مجتمع صورت می‌گرفت و تمام تلاش این بود که بهترین و مجرب‌ترین اساتید سطح کشور، جذب مجتمع شوند.»

همچنین تداوم تربیت دینی نیز از جمله اقداماتی بود که در راستای کیفیت‌بخشی به فرایند آموزش، از سوی مصاحبه‌شوندگان مطرح شد. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان داشت که: «کلاس‌های درس در هنگام اذان، متوقف می‌شد و تمامی افراد در نماز جماعت شرکت می‌کردند.» از طرفی اما مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که محدودیت‌های زیرساختی نیز در برابر کیفیت‌بخشی به فرایند آموزش قرار داشت. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۳ عنوان کرد که: «مجتمع در برخی مناطق با کمبود فضای آموزشی رو به رو بود که این امر موجب تغییر هرساله مکان آموزشگاه در برخی مناطق می‌شد.»

ابتکار در آموزش

اقدامات در راستای ابتکار در آموزش، از جمله اقداماتی بود که از سوی افراد به صورت مکرر به آن اشاره شد. پاسخ به نیازهای خاص از جمله اقداماتی بود که در راستای ابتکار در آموزش به آن اشاره شد. مصاحبه‌شونده شماره دو چنین اظهار داشت که: «فضای همدلانه چنان در مجتمع وجود داشت که معلمان ما برای تدریس رزمندگان مجروح و آسیب‌دیده به بیمارستان‌ها و منازل افراد مراجعه می‌کردند.»

همچنین تضمین تداوم آموزشی نیز از جمله اقداماتی بود که در این راستا، مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند. چنان که مصاحبه‌شونده شماره سه بیان داشت که: «مجتمع رزمندگان برای کمک به افرادی که مشغله داشته و صبح امکان شرکت در کلاس‌ها را نداشتند، به صورت دو شیفته به فعالیت می‌پرداخت.»

ارتقا عدالت آموزشی

بررسی مصاحبه‌های صورت گرفته، بیانگر این مهم بود که ارتقا عدالت آموزشی، از جمله اقداماتی بود که توسط مجتمع صورت گرفت که خود دارای سه زیرمؤلفه است. تنوع ساختار

آموزشی از جمله این زیرمؤلفه‌ها بود. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره چهار بیان داشت که: «مجمع رزمندگان برای نخستین بار در آموزش و پرورش، نظام ترمی واحدی را طرح‌ریزی کرد.» همچنین پشتیبانی هدفمند رزمندگان نیز از جمله اقداماتی بود که در راستای ارتقا عدالت آموزشی مطرح شد. چنانچه مصاحبه‌شونده شماره یک عنوان داشت که: «سطح آموزشی در مجمع رزمندگان در وضعیت بسیار قابل قبولی قرار داشت.»

از طرفی افزایش اثربخشی آموزشی نیز از جمله اقداماتی بود که در راستای ارتقا عدالت آموزشی به آن اشاره شد. به طوری که مصاحبه‌شونده شماره ۲ بیان داشت که: «درصد قابل توجه و زیادی از محصلان مجمع، در کنکور موفق شدند تا در بهترین دانشگاه‌های سراسر کشور پذیرش شوند.»

بررسی و تحلیل مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان و تجزیه و تحلیل کدها در پژوهش، بیانگر آن بود که مفاهیم و مقوله‌های مربوط به دستاوردهای مؤسسان مجتمع آموزشی رزمندگان در دوران دفاع مقدس در قالب دو مقوله طبقه‌بندی می‌شود که هر یک از این مقوله‌ها دارای زیر مقوله‌هایی است که در جدول شماره ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. مفاهیم و مقوله‌های مربوط به دستاوردهای مؤسسان مجتمع آموزشی رزمندگان در دوران دفاع مقدس

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
خلق فرهنگ مقاومت علمی	درونی‌سازی ارزش‌ها	پایبندی به اخلاق در فرایند یادگیری، تعادل بین جدیت در درس و احترام به دیگران، تقویت خودکنترلی در محیط آموزشی، تقویت روحیه ایثار و جهاد
	بازتولید فرهنگی پس از جنگ	انتقال تجربیات به نسل‌های بعد از خود، تدوین روایت آموزشی دفاع مقدس، الگوسازی فرهنگی از اقدامات انجام شده
بازتولید سرمایه انسانی	شکل‌گیری هویت چندگانه	تربیت نیروی مؤمن و کارآمد، تعهد عملی به انقلاب و خدمت به کشور، شکل‌گیری هویت دانش‌آموز-رزمنده، همکاری سازنده میان نهادها، تقویت روحیه همدلی میان افراد، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، پایبندی به تعهدات، مشارکت فعال و آگاهانه،
	ارتقا توانمندی‌های شناختی	

خلق فرهنگ مقاومت علمی

بررسی مصاحبه‌ها بیانگر آن بود که خلق فرهنگ مقاومت علمی، از جمله دستاوردهای مجتمع آموزشی رزمندگان بود که درونی‌سازی ارزش‌ها از جمله آن بود. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۲ چنین بیان داشت که: «فرهنگ ایثار و جهاد نه تنها در دل جبهه که در فضای مجتمع نیز حاکم بود. چنانکه تمامی افراد، جهادی هر آنچه که می‌توانستند را انجام می‌دادند.» همچنین بازتولید فرهنگی پس از جنگ نیز از جمله دستاوردهایی بود که مصاحبه‌شوندگان مکرراً به آن اشاره داشتند. به طوری که مصاحبه‌شونده شماره ۳ اظهار داشت که: «لازم بود و هست که تجربیاتی که در مجتمع رزمندگان کسب شده را از طریق روایت پژوهی به نسل‌های بعد منتقل کنیم.»

بازتولید سرمایه انسانی

بازتولید سرمایه انسانی از جمله دستاوردهایی بود که از بررسی مصاحبه‌های صورت گرفته، استخراج شد که خود دارای دو زیرمؤلفه شکل‌گیری هویت چندگانه و ارتقای توانمندی‌های شناختی است. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۴ بیان داشت که: «افرادی که در این مجتمع تربیت شدند، در مقاطع حساس کشور تعهد علمی و التزام خود به ولایت فقیه و کشور را اثبات کردند. همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱ عنوان کرد که: «در فضای مجتمع، همدلی تمامی افراد افزایش پیدا کرد و همه افراد فداکارانه تمامی مشکلات در مسیر مجتمع را بر طرف می‌کردند.»

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

آموزش در بستر بحران، زمانی که بر مبنای ارزش‌های عمیق انسانی و فرهنگی سامان یابد، می‌تواند از نقش سنتی خود فراتر رود و به ابزاری برای بازسازی اجتماعی و اخلاقی تبدیل شود. تجربه مورد بررسی نشان داد که آموزش، اگر با رویکردی مسئله‌محور، انسان‌محور و آینده‌نگر طراحی شود، قادر است به جای آنکه صرفاً انتقال‌دهنده دانش باشد، بستری برای پرورش هویت، تعهد، و مسئولیت‌پذیری نیز فراهم آورد. این تجربه اثبات کرد که حتی در دشوارترین شرایط، می‌توان با تکیه بر باور به امکان تحول، محیط‌هایی ایجاد کرد که یادگیری را با زیست ارزشی درهم تنیده و به عاملی برای استمرار فرهنگی و کنشگری فعال اجتماعی تبدیل نماید.

در خصوص اهداف مؤسسان مجتمع آموزشی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یکی از اهداف اصلی مؤسسان مجتمع‌های آموزشی رزمندگان، تثبیت آموزش به عنوان یک جریان پایدار، منسجم و منطبق بر نیازهای جبهه و پشت جبهه بوده است. در این راستا، نهادینه‌سازی آموزش نه تنها به معنای استمرار فعالیت‌های آموزشی، بلکه به معنای تعبیه آموزش در بطن ساختار فرهنگی و ارزشی دوران جنگ بوده است؛ به گونه‌ای که مدرسه، به سنگری برای تربیت و انتقال ارزش‌های دینی، علمی و انقلابی تبدیل شود. در همین راستا نتایج تحقیقات رحمانی (۱۴۰۰) تأییدکننده این یافته پژوهش است. در تبیین این یافته پژوهش می‌توان گفت که مؤسسان برای تحقق این هدف، نخست به دنبال یکپارچه‌سازی ساختار آموزشی در سطح کشور بودند. این یکپارچگی، از طریق اقداماتی نظیر گسترش مجتمع‌ها به سراسر کشور، تبلیغ برای جذب دانش‌آموز و دبیر، و سازماندهی اعزام نیروهای متخصص صورت گرفت. این انسجام ساختاری، زمینه‌ای فراهم کرد تا برنامه‌های آموزشی در هر نقطه‌ای از کشور، حتی در شرایط جنگی، به شکلی همگون و با کیفیت مطلوب اجرا شود. از سوی دیگر، برای آن که این ساختار منسجم بتواند نیروی انسانی کارآمدی تربیت کند، ارتقای کیفیت آموزش در دستور کار قرار گرفت. تلاش‌هایی مانند برگزاری کلاس‌های تقویتی، افزایش حقوق اساتید، جذب دبیران از مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی، و بهره‌گیری از معلمان باتجربه آموزش و پرورش، همگی در راستای ارتقای استانداردهای آموزشی و ایجاد انگیزه در کادر آموزشی انجام شد. این اقدامات، نشان‌دهنده آن است که نهادینه‌سازی آموزش بدون توجه به سطح کیفی آن، از دید مؤسسان ممکن نبود. هم‌زمان، بُعد تربیتی این ساختار نیز به خوبی لحاظ شده بود. مؤسسان با هدف تربیت نیروی متخصص و جلوگیری از اخلاف در روند توسعه کشور، آموزش را ابزاری برای آماده‌سازی نسل آینده تلقی کردند. آن‌ها تلاش داشتند با غنی‌سازی اوقات فراغت رزمندگان، ایجاد انگیزه برای تحصیل، و هدایت آگاهانه مسیر یادگیری، از آموزش به عنوان اهرمی راهبردی برای شکل‌گیری نیروی انسانی متعهد و کارآمد بهره‌گیرند. در نتیجه، نهادینه‌سازی آموزش در این تجربه تاریخی، نه صرفاً به معنای ایجاد زیرساخت یا تداوم فرایند تدریس، بلکه به عنوان یک پروژه اجتماعی-فرهنگی تعریف شد که هدف آن، ساخت یک جامعه آموزش‌محور با ارزش‌های انقلابی، انسجام درونی و آمادگی برای بازسازی کشور پس از جنگ بود.

یافته دیگر پژوهش نشان می‌دهد که توانمندسازی رزمندگان از الزامات اساسی در دوران دفاع مقدس به شمار می‌رفته است. در آن شرایط، مسئله آموزش و ارتقای تحصیلی رزمندگان، تنها یک نیاز فردی نبود، بلکه به عنوان بخشی از راهبرد کلان نظام برای حفظ و ارتقای سرمایه انسانی تلقی می‌شد. نتایج تحقیقات هاشم زهی و همکاران (۱۴۰۱) تأییدکننده این یافته پژوهش است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که وقوع جنگ باعث شد بسیاری از رزمندگان، به‌ویژه جوانان محصل، از مسیر طبیعی تحصیل باز بمانند. به همین دلیل، برای جبران این عقب‌ماندگی تحصیلی، نظام نیازمند اتخاذ تدابیری راهبردی و هدفمند بود؛ تدابیری که هم جنبه حمایتی داشته باشند و هم بستر لازم برای بازگشت به مسیر آموزش را فراهم کنند. این اقدامات می‌بایست در چند سطح مختلف انجام می‌گرفت: ایجاد فرصت‌های یادگیری برای رزمندگان بی‌سواد یا کم‌سواد، ارائه خدمات مشاوره‌ای تحصیلی و خانوادگی، آماده‌سازی رزمندگان برای شرکت در کنکور و کمک به ادامه تحصیل اعضای بسیج و خانواده‌های شهدا. این حمایت‌ها تنها محدود به شهرهای خاص نبود، بلکه باید امکان تحصیل در سراسر کشور، حتی در جبهه‌ها و پشت‌جبهه، فراهم می‌شد تا هیچ‌کس به دلیل شرایط جنگی از آموزش محروم نماند. افزون بر این، مجموعه اقداماتی که در راستای حمایت آموزشی از رزمندگان انجام شد، اگرچه گامی مؤثر در جهت رفع نیازهای فوری آنان بود، اما بیش از آن که بر کیفیت و استمرار فرآیند یادگیری تمرکز داشته باشد، به جبران سریع عقب‌ماندگی‌ها معطوف بود. این رویکرد که بیشتر جنبه جبرانی داشت تا توسعه‌ای، در عمل ممکن بود به سطحی‌نگری در برنامه‌ریزی آموزشی بینجامد. فراهم‌سازی امکانات و تسهیلات متنوع، بدون پیوست‌های پایدار آموزشی و حمایت‌های روانی و اجتماعی بلندمدت، اگرچه در مقطع کوتاه موفقیت‌هایی به همراه داشت، اما نمی‌توانست تضمینی برای بازگشت پایدار به مسیر تحصیلی و رشد فردی باشد. از این رو، می‌توان گفت که در کنار اقدامات فوری، نیاز به نگاهی عمیق‌تر و راهبردی‌تر به مفهوم توانمندسازی آموزشی وجود داشت؛ نگاهی که آموزش را نه صرفاً ابزاری برای جبران گذشته، بلکه بستری برای ساخت آینده تلقی کند.

در خصوص اقدامات مؤسسان مجتمع‌های آموزشی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تلاش‌های آنان نه تنها معطوف به گسترش آموزش در شرایط بحرانی جنگ بود، بلکه نگاهی هدفمند به تربیت دینی و فرهنگی نسل جدید نیز در پس این اقدامات وجود داشت. این فعالیت‌ها،

اگرچه با محدودیت‌های متعددی مواجه بودند، توانستند زیرساخت اولیه‌ای برای پیوند آموزش و ارزش‌های دینی فراهم کنند. در همین راستا نتایج تحقیقات بهرامی مشهدی (۱۴۰۱) با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان داشت که ابتدا رفع برخی محدودیت‌های زیرساختی، همچون کمبود فضای آموزشی و کمبود امکانات در مناطق مختلف، پیش‌نیاز هرگونه اقدام مؤثر بود. بدون فراهم بودن حداقل‌های فیزیکی و تجهیزاتی، حتی با انگیزه بالا نیز امکان شکل‌گیری یک نظام آموزشی منسجم فراهم نمی‌شد. اما نکته مهم‌تر آن بود که برای تداوم و تقویت تربیت دینی، تقویت منابع انسانی در اولویت قرار گرفت. جذب معلمان و اساتید مجرب، همراه با فرآیندهای گزینش دقیق، نشان می‌داد که هدف، صرفاً انتقال دانش نبود، بلکه نهادینه‌سازی ارزش‌ها نیز مدنظر بود.

حفظ رویکرد فرهنگی-مذهبی حتی در شرایط سخت جبهه و برگزاری نماز جماعت در هنگام اذان، خود گواهی بر این است که تربیت دینی به‌عنوان یک اصل بنیادین، در مرکز برنامه‌ریزی‌های آموزشی قرار داشت. با این حال، تحلیل کلی نشان می‌دهد که این اقدامات، هرچند ضروری و اثرگذار بودند، اما گاه بیشتر جنبه واکنشی به شرایط داشتند تا برنامه‌ریزی بلندمدت. در واقع، برای دستیابی به پایداری در تربیت دینی و فرهنگی، لازم بود هم‌زمان با تقویت فیزیکی و انسانی، یک نگرش ساختاری و آینده‌نگر نیز در سیاست‌گذاری‌ها حضور داشته باشد؛ امری که در برخی نقاط، به‌دلیل محدودیت‌ها، به‌صورت ناقص تحقق یافت.

یافته دیگر پژوهش نشان می‌دهد که یکی از اقدامات قابل توجه در مسیر آموزش رزمندگان، بهره‌گیری از ابتکار و خلاقیت در روش‌ها و ساختارهای آموزشی بوده است. این ابتکارات به‌گونه‌ای طراحی شده بودند که بتوانند آموزش را حتی در ناپایدارترین شرایط جنگی نیز زنده نگه دارند و اجازه ندهند ارتباط رزمندگان با مسیر تحصیل گسسته شود. نتایج تحقیقات فضائی (۱۳۸۱) تأییدکننده این یافته پژوهش است. در تبیین این یافته پژوهش می‌توان اظهار داشت که برای تضمین استمرار آموزش، ضرورت داشت مکان برگزاری کلاس‌ها به‌طور پیوسته تغییر کند؛ چرا که شرایط خاص جنگی و موقعیت متغیر رزمندگان، نیازمند پاسخ‌های متناسب و سیال بود. به همین دلیل، گاهی مدرسه‌ای به مجتمع آموزشی ویژه تبدیل می‌شد، گاهی کلاس‌ها در

جبهه یا پشت جبهه برگزار می‌شدند، و در مواردی خاص، حتی منازل یا بیمارستان‌ها به فضای آموزشی تبدیل می‌شدند تا رزمندگانی که آسیب دیده بودند از جریان تحصیل بازمانند. این انعطاف در مکان و زمان آموزش، با اقداماتی نظیر تشکیل کلاس‌ها با هر تعداد محصل، فراهم کردن فضای مطالعه در خود مجتمع، برگزاری کلاس‌ها به صورت دو شیفته و همچنین امکان برگزاری امتحانات در تمامی پایه‌ها و در طول سال تکمیل می‌شد. این شیوه‌ها نشان‌دهنده نوعی نگاه تلفیقی به آموزش بودند؛ نگاهی که هم به ضرورت یادگیری توجه داشت و هم به شرایط خاص جسمی، روحی و زمانی مخاطبان خود. چنین تجربه‌ای از آموزش، الگویی از انطباق و نوآوری در دل بحران ارائه داد که نه تنها به حفظ ارتباط رزمندگان با دانش انجامید، بلکه در مواردی انگیزه و امید به آینده را نیز در آنان زنده نگه داشت.

آخرین یافته پژوهش از اقدامات مؤسسان مجتمع آموزشی نشان می‌دهد که رویکرد مؤسسان مجتمع‌های آموزشی، به سوی ایجاد توازن و برابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی برای همه گروه‌ها، به‌ویژه رزمندگان و خانواده‌های آنان، سوق یافته است. این تلاش در بستر شرایط بحرانی جنگ، نه تنها پاسخی به یک نیاز آموزشی، بلکه نوعی بازآفرینی ساختار آموزش با محوریت عدالت بود؛ عدالتی که در عمل و در بطن دشواری‌ها، معنا پیدا می‌کرد، نه صرفاً در سیاست‌گذاری‌ها. در در همین راستا نتایج تحقیقات سوادکوهی (۱۳۸۷) نتایج پژوهش را تأیید می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت که تحقق چنین هدفی نیازمند یک ساختار آموزشی انعطاف‌پذیر، چندلایه و دارای پشتیبانی مستمر بود. در شرایطی که بسیاری از افراد به دلیل جنگ از تحصیل بازمانده بودند یا تجربه‌های تحصیلی ناپیوسته داشتند، طراحی یک نظام واحد و خطی نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای متنوع آنان باشد. بنابراین، نخستین اقدام، حرکت به سوی نظامی مبتکی بر تنوع در ورود، عبور و خروج از فرآیند آموزشی بود. اینجا ساختار آموزش از حالت ایستا خارج شد و به قالبی پویا بدل گشت. دانش‌آموزان می‌توانستند متناسب با توانایی و وضعیت خود، در هر زمانی وارد فرآیند آموزش شوند، دروسی را مطابق سطح خود بگذرانند و حتی به صورت مرحله‌ای در مسیر پیشرفت قرار گیرند. این شیوه، عملاً نوعی گذار از منطق کلاسیک آموزش به سوی مدل یادگیری مبتنی بر توانمندی و شرایط بود؛ مدلی که به افراد اجازه می‌داد عقب‌ماندگی‌های خود را بدون احساس طردشدگی یا فشار ساختاری، جبران کنند.

در همین راستا، محتوای آموزشی نیز بازطراحی شد تا این انعطاف ساختاری را همراهی کند. تولید منابع آموزشی با کیفیت و قابل فهم، نه فقط بر کاهش فاصله دانشی میان افراد مؤثر بود، بلکه نشان‌دهنده توجه به شأن یادگیرنده و سرمایه‌گذاری بر او به مثابه یک فرد مستعد و توانمند بود. این توجه به کیفیت و دسترس‌پذیری محتوا، موجب شد آموزش نه به صورت یک تکلیف اجباری، بلکه به عنوان یک امکان قابل تحقق و انگیزه‌بخش در ذهن مخاطب شکل گیرد. نتیجه این فرایند، چیزی فراتر از جبران آموزشی صرف بود. ساختار شکل گرفته، به تدریج زمینه‌ساز موفقیت‌های واقعی شد؛ از ایجاد انگیزه‌های پایدار برای ادامه تحصیل گرفته تا راهیابی بسیاری از این افراد به آموزش عالی و رقابت در آزمون‌های سراسری. این موفقیت‌ها نه حاصل یک رویکرد مقطعی، بلکه نتیجه پیوند بین برنامه‌ریزی دقیق، درک واقعی از نیازهای مخاطب، و استفاده از شیوه‌های غیررسمی اما اثربخش آموزشی بود. از این منظر، می‌توان گفت تجربه مجتمع‌های آموزشی در دوران دفاع مقدس، مدلی کم‌نظیر از تحقق عدالت آموزشی در شرایط اضطرار بود؛ مدلی که آموزش را از حالت نابرابر و انحصاری بیرون آورد و آن را به امری در دسترس، انسانی و قابل بازیابی برای همه تبدیل کرد.

در خصوص دستاوردهای این مؤسسان، یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که فرایندهای آموزشی طراحی شده در بستر جنگ، صرفاً به انتقال دانش محدود نبوده، بلکه با هدایت هدفمند، به بستری برای نهاده‌سازی ارزش‌ها و شکل‌گیری یک هویت فرهنگی-آموزشی منتهی شده‌اند. این روند، آموزش را به ابزاری برای بازسازی اجتماعی و فرهنگی پس از جنگ نیز تبدیل کرده است. در همین راستا نتایج تحقیقات علیزاده و رحمانی (۱۳۹۳) و اسماعیل‌زاده (۱۴۰۲) و قدسیه و محمودی صاحبی (۱۴۰۱) با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که اقدامات مؤسسان مجتمع‌های آموزشی سبب شد نخست ارزش‌هایی چون ایثار، اخلاق‌مداری، خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری، در میان رزمندگان درونی شوند. این درونی‌سازی ارزش‌ها صرفاً نتیجه تعلیم مستقیم نبود، بلکه ناشی از زیست‌جمعی در محیط‌های آموزشی بود که تعادل میان جدیت در درس و احترام متقابل را حفظ می‌کردند. این محیط‌ها نه تنها به کسب دانش کمک کردند، بلکه فرصت تمرین عملی فضیلت‌هایی را فراهم کردند که پیش‌تر در میدان نبرد معنا یافته بودند.

با پایان جنگ، این ارزش‌های درونی‌شده در رزمندگان، به صورت طبیعی به نسل بعد منتقل شد؛ گاه از مسیرهای رسمی مانند کلاس‌های درس و روایت‌های آموزشی دفاع مقدس، و گاه از طریق رفتار، سبک زیست و مشارکت در نهادهای فرهنگی. در واقع، آموزش در این زمینه، فقط انتقال اطلاعات نبود، بلکه بستری برای بازتولید فرهنگی فراهم آورد؛ بازتولیدی که بر پایه زیسته‌ها و تجربیات واقعی استوار بود و از همین رو، ماندگار و مؤثر شد. این فرایند، همچنین به الگوسازی فرهنگی منتهی شد. کنش‌ها و رویکردهای آموزشی در دوران جنگ، به مرور به روایت‌هایی تبدیل شدند که قابلیت آموزش داشتند: تجربیاتی که نه صرفاً به‌عنوان خاطره، بلکه به‌عنوان بخشی از سرمایه فرهنگی قابل انتقال به نسل‌های آینده مطرح شدند. این روایت‌ها به تدریج در قالب اسناد، کتاب‌ها، مستندات و برنامه‌های درسی تدوین شدند و جایگاه آموزش را از یک فعالیت مقطعی به یک مأموریت تمدنی ارتقا دادند. در نهایت می‌توان گفت، پروژه آموزشی دوران دفاع مقدس نه تنها در خدمت آموزش فردی، بلکه در خدمت بازسازی اجتماعی پس از بحران عمل کرد. این تجربه نشان داد که آموزش، زمانی که در پیوند با اخلاق، ارزش و روایت قرار گیرد، قادر است از دل یک تهدید، فرصت فرهنگی بیافریند و بستری برای انتقال میراث معنوی یک نسل به نسل دیگر فراهم کند.

آخرین یافته از پژوهش در خصوص دستاوردهای مجتمع‌های آموزشی نشان می‌دهد که یکی از نتایج بنیادین این اقدامات، بازتولید نیروی انسانی متعهد و توانمند برای دوران پس از جنگ بوده است؛ نیرویی که نه تنها قابلیت علمی داشت، بلکه واجد ویژگی‌های شخصیتی و ارزشی مورد نیاز برای تداوم مسیر انقلاب بود. این بازتولید، محدود به پرورش افراد متخصص نبود، بلکه معطوف به شکل‌دهی به نسلی چندبُعدی و مسئولیت‌پذیر بود. نتایج تحقیقات نوری (۱۳۹۸) و صادقی (۱۴۰۰) یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. در تبیین این یافته پژوهش می‌توان اظهار داشت که ساختار آموزشی طراحی‌شده، بستری فراهم کرد تا هویت‌های چندگانه‌ای در افراد شکل بگیرد. افرادی که هم‌زمان دانش‌آموز بودند و رزمنده، هم دغدغه تحصیل داشتند و هم خود را متعهد به دفاع از آرمان‌ها می‌دانستند. این هم‌زمانی، موجب شد که توانمندی‌های علمی، تعهد اجتماعی و باورهای ارزشی به شکلی هم‌افزا در کنار هم رشد پیدا کنند.

اقدامات آموزشی و فرهنگی نه تنها به تربیت نیروی مؤمن و کارآمد منجر شد، بلکه روحیه تعهد عملی به انقلاب و خدمت به کشور را نیز در آنان تقویت کرد. مشارکت فعال و آگاهانه در برنامه‌های آموزشی، تلاش برای ایفای نقش مؤثر در بازسازی کشور، و پایبندی به مسئولیت‌های فردی و جمعی، از جمله نمودهای این بازتولید هویتی و انسانی بود. همچنین این نظام، با فراهم کردن بستری برای همکاری میان نهادهای مختلف و ایجاد تجربه‌های جمعی، زمینه تقویت روحیه همدلی و مشارکت سازنده را مهیا کرد. افراد نه فقط در قالب فرد، بلکه به عنوان عضوی از یک شبکه فعال و مؤثر اجتماعی پرورش یافتند. این فرایند، آموزش را از تجربه‌ای فردی به تجربه‌ای اجتماعی و تمدنی ارتقا داد. در نهایت، آنچه حاصل شد، صرفاً تربیت نیروی تحصیل کرده نبود، بلکه شکل‌گیری نسل‌هایی بود که در عین برخورداری از مهارت‌های علمی، دارای عمق هویتی، باور ارزشی، و آمادگی عملی برای مشارکت در ساخت آینده کشور بودند. این بازتولید نیروی انسانی، یکی از عمیق‌ترین و ماندگارترین دستاوردهای آن تجربه آموزشی به شمار می‌رود.

پیشنهادهای کاربردی

پیشنهادهای کاربردی پژوهش حاضر در راستای تقویت پیوند میان دستاوردهای دفاع مقدس و مدرسه و بر مبنای یافته‌های پژوهش می‌باشد. با الگوبرداری از ساختار مجتمع‌های رزمندگان در دوران دفاع مقدس، می‌توان طرح «مدرسه جهادی دیجیتال» را طراحی و راه‌اندازی کرد. این طرح در قالب یک پلتفرم آموزش مجازی عمل می‌کند که در آن، محتواهای درسی با مفاهیم ارزشی همچون ایثار، مقاومت و خودباوری تلفیق می‌شود. اساتید داوطلب، دانشجو معلمان و فرهنگیان علاقه‌مند می‌توانند به صورت حضوری یا مجازی در این طرح فعالیت کنند و آموزش‌هایی ترکیبی از مفاهیم درسی و جهادی برای دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار فراهم آورند. این پلتفرم ضمن ارتقای عدالت آموزشی، زمینه‌ساز تربیت نسل متعهد به انقلاب اسلامی خواهد شد.

پیشنهاد دوم، اجرای «طرح هم‌کلاسی شهید» در مدارس کشور است. در این طرح، هر مدرسه با همکاری بنیاد شهید، یک شهید دانش‌آموز را به عنوان الگوی هویتی خود معرفی می‌کند. برنامه‌هایی همچون ارائه وصیت‌نامه شهید در کلاس‌های درس، برگزاری یادواره‌ها، تولید محتواهای چندرسانه‌ای، مسابقات فرهنگی و انتشار نشریه مدرسه با محوریت آن شهید در طول

سال تحصیلی اجرا می‌شود. این طرح، پیوندی عاطفی، هویتی و معنوی میان نسل جدید و شهدای دانش‌آموز برقرار می‌سازد و مدرسه را به بستری برای ترویج فرهنگ ایثار و مسئولیت‌پذیری تبدیل می‌کند.

سومین پیشنهاد، راه‌اندازی «کانون معلمان جهادی» در دانشگاه‌های فرهنگیان است. این کانون‌ها با هدف احیای روحیه خدمت‌رسانی و تربیت معلمانی انقلابی تشکیل می‌شوند. اعضای این کانون می‌توانند با حضور در مناطق محروم یا از طریق آموزش مجازی، به تدریس رایگان و انتقال مفاهیم ارزشی و تربیتی بپردازند. همچنین این کانون‌ها می‌توانند در تولید محتوای فرهنگی، تدوین طرح‌های آموزشی جهادی و ایجاد پیوند میان دانشگاه و جامعه محلی نقش آفرینی کنند. چنین تجربه‌ای به تربیت نیروی انسانی متعهد و کارآمد در عرصه تعلیم و تربیت منتهی خواهد شد. چهارمین پیشنهاد، تدوین «کتاب درسی مکمل» مبتنی بر تجارب مجتمع‌های آموزشی رزمندگان است. این کتاب در قالب داستان‌های واقعی و روایت‌محور، تجربه‌های زیسته رزمندگان دانش‌آموز و معلمان جبهه را بازگو می‌کند و می‌تواند به عنوان کتاب مکمل دروس تعلیمات دینی، تفکر و سبک زندگی در مقاطع متوسطه مورد استفاده قرار گیرد. بهره‌گیری از فناوری‌هایی مانند واقعیت افزوده، فایل‌های صوتی و تصویری مرتبط با متن، جذابیت آن را افزایش داده و موجب مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری خواهد شد. این اقدام به بازتولید فرهنگ مقاومت علمی و تقویت هویت ملی - دینی دانش‌آموزان کمک می‌کند.

فهرست منابع

- ابراهیمی، خدایار. (۱۳۹۵). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انتقال فرهنگ دفاع مقدس با تأکید بر کارکرد شبکه مجازی تلگرام. دوفصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۱(۱)، ۱-۲۲.
- اخوان‌فرد، مسعود و احمدی، حامد. (۱۳۹۶). تحلیل حقوق کودکان در دفاع مقدس بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق کودک و دیگر اسناد بین‌المللی با تکیه بر جنایات رژیم عراق در بمباران مدارس شهرهای ایران. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۳(۲)، ۸۰-۶۱.
- الهامی، امیر حسین و آرش، مجید. (۱۳۹۹). جایگاه دفاع مقدس در برنامه‌های درسی و آموزشی وزارت آموزش و پرورش؛ ارزیابی، آسیب‌شناسی و پیشنهادهای راهبردی. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۵(۱)، ۷۰-۵۳.
- ازغندی، علیرضا، و روشندل، جلیل. (۱۳۹۲). مسائل نظامی و استراتژیک معاصر (چاپ چهاردهم). تهران: سمت.
- اسماعیل زاده، نسرين و اسماعیل زاده، نرگس. (۱۴۰۲). بررسی نقش مدرسه در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۶(۶۲)، ۶۶۱-۶۵۳.
- اولاد، هادی و الهی‌منش، محمدحسن. (۱۳۹۸). تأثیر دفاع مقدس بر تقویت و تحکیم پیوند اجتماعی. فصلنامه جامع دفاع مقدس، ۴(۱)، ۱-۲۰.
- بهرامی مشهد طرقي، مژده؛ ابراهیم‌زاده، فریمان؛ سلیمان‌پور عمران، محبوبه و محمدابراهیم‌زاده سپاسگذار، فاطمه. (۱۴۰۱). طراحی الگوی مدیریت اثربخش نشر ارزش‌های دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۴) (پیاپی ۳۲)، ۳۷-۶۹.
- حاجتی، حامد. (۱۴۰۰). علل و انگیزه‌های راهبردی رخداد جنگ تحلیلی. مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، ۳(۴)، ۳۷۸-۳۵۱.
- خودسیبانی، مصطفی و خان‌احمدی، اسماعیل. (۱۳۹۲). بررسی نقش روحیه در دفاع مقدس و جنگ آینده. راهبرد دفاعی، ۱۱(۴۲)، ۱۰۱-۶۷.
- درویدیان، محمد. (۱۳۸۴). ضرورت رویکرد جامعه‌شناسی به جنگ. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۴(۱۴).
- درویش‌علی‌پور آستانه، لیلا. (۱۴۰۲). نقش ترکیبی تشکلهای سازمان‌ها در مردمی کردن فرهنگ ایثار و شهادت (مطالعه موردی طرح لاله‌های روشن، سلاله‌ها و ...). شاهد اندیشه، ۴(۲)، ۱۷۵-۱۴۳.
- دهخدا، اکبر. (۱۳۶۳). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ریبیعی، حسین و محمدپور، علی. (۱۳۹۶). تحلیل روند و ویژگی‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با تأکید بر بنیان‌های جغرافیای نظامی. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۳(۴)، ۷۴-۴۷.

رحمانی، جواد. (۱۴۰۰). اهمیت نقش آموزش و پرورش در انتقال فرهنگ دفاع مقدس به دانش آموزان نخستین کنفرانس علمی آموزش و پرورش و دفاع مقدس، تاکستان، ۱۴۰۰، نخستین کنفرانس آموزش و پرورش و دفاع مقدس.

رحمانی، غلام عباس؛ طحان، محسن؛ عالیشوندی، اعظم و صادقی، الهه. (۱۴۰۰). سرمایه‌های اجتماعی و معنوی دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، ۳(۵)، ۲۸۰-۲۴۵.

سلیمانی، مجید و اسلامی، مهدی. (۱۴۰۱). الگوی عوامل فرهنگی اجتماعی دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، ۴(۷)، ۳۰-۱.

سوادکوهی، علیرضا. (۱۳۸۷). پژوهش دفاع مقدس، آسیب شناسی و راهکارهای پیشنهادی. پژوهش‌های مدیریت و فرماندهی نظامی، ۱۰(۳۴)، ۱۹-۵۲.

شعبانی سارویی، رمضان. (۱۳۹۴). طراحی و تدوین الگوی فرهنگ دفاع مقدس. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۶(۶۳)، ۶۲-۴۵.

صادقی، علی. (۱۴۰۰). نقش گردشگری جنگ و یادمان‌های دفاع مقدس در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، ۲۰۹-۲۲۸.

ظریف‌منش، حسین و حجازی، سید امین. (۱۴۰۱). نقش شورای عالی پشتیبانی جنگ در دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، ۴(۷)، ۱۴۰-۱۱۹.

عامری شهرابی، محسن. (۱۳۹۳). نقش امنیت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نشریه امنیت ملی، ۵(۱۴)، ۱۲۷-۱۰۷.

علی‌پور، محمد؛ قاسمی، سید علیرضا، و نخعی، غلامرضا. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل وصیت‌نامه شهدای تربیت معلم خراسان جنوبی: مطالعه کیفی. مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، ۴(۷)، ۹۴-۶۵.

علی‌پور، محمد و محترمی، ریحانه. (۱۴۰۱). مطالعه تجارب زیسته رزمندگان فرهنگی از دوران هشت سال دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، ۴(۶)، ۱۵۲-۱۱۹.

علیزاده، علی اکبر و رحمانی، محمدعلی. (۱۳۹۳). توانمندسازی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تجارب دفاع مقدس و جایگاه فرماندهی در اندیشه‌ی دفاعی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی). همایش ملی تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی).

فضائلی، احمد. (۱۳۸۱). نقش اوضاع تاریخی و محیطی در تحولات تعلیم و تربیت و تأثیر آن بر میزان رشد و شکوفایی خلاقیت و ارائه مصداق آن در دفاع مقدس، فصلنامه مصباح، ۱۱(۴۳)، ۲۸-۶.

قدسیه، شهادت و محمودی صاحبی، مصطفی. (۱۴۰۱). ضرورت حفظ دستاوردهای فرهنگی، معنوی دفاع مقدس و بررسی تأثیرات جنگ نرم بر ساختار آن. شاهد اندیشه، ۳(۲)، ۱۰۹-۱۳۰.

قهرمانی، شاهرخ و یوسف‌نژاد، فریدون. (۱۳۹۷). تأثیر تنگه هرمز بر استراتژی‌های دفاع مقدس. تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.

- محمدی‌فاتح، اصغر. (۱۳۹۷). فراتحلیل پژوهش‌های دفاع مقدس و تعیین سهم آن‌ها در حفظ و نشر ارزش‌ها در گام دوم انقلاب اسلامی. دوفصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۰(۲۱)، ۹-۲۲.
- مرادپیری، هادی و حشمتی‌جدید، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل ظرفیت‌ها و دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی ایران اسلامی در دوران دفاع مقدس. فصلنامه جامع دفاع مقدس، ۲(۱)، ۱-۲۸.
- مرادپیری، هادی. (۱۳۹۵). راهبرد سیاست‌گذاری فرهنگی در زمینه علوم و معارف دفاع مقدس به منظور حفظ و انتقال آن به نسل‌های آینده. فصلنامه جامع دفاع مقدس، ۱(۱)، ۵۷-۷۷.
- منصوری‌لاریجانی، اسماعیل. (۱۳۹۱). آشنایی با دفاع مقدس. تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- مولادوست، کیومرث؛ ابراهیمیان، محمد رضا و اکبریان، مصطفی. (۱۴۰۲). بررسی میزان آگاهی کارکنان وظیفه از مفاهیم دفاع مقدس (مطالعه موردی: یک واحد نظامی). فصلنامه پژوهش‌های راهبردی ارتش، ۲(۶)، ۱۴۶-۱۲۷.
- مهدیزاده، ایرج؛ محترمی، ریحانه؛ پور سلطانی، سمیه و کریم زاده، محمد علی. (۱۳۹۶). دانش آموزان شهرستان بیرجند در هشت سال دفاع مقدس. خراسان جنوبی: انتشارات سپاه انصار الرضا(ع) استان خراسان جنوبی.
- نظامی‌پور، قدیر. (۱۴۰۱). هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس. فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۸(۱)، ۳۵-۵۹.
- نوری، عباس. (۱۳۹۸). بررسی انواع ارتباطات در سبک زندگی شهدای هشت سال دفاع مقدس استان همدان، فصلنامه جامع دفاع مقدس، ۴(۲)، ۱۳۰-۱۰۳.
- هاشم‌زهی، نوروز؛ یاحی، رسول و اصغری، انسیه. (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی مناسبات نظام آموزشی و جنگ (مورد مطالعه: تجربه تاریخی نقش آموزش و پرورش در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران). پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۱۶(۱)، ۸۶-۱۱۰.

